اذعان ترامپ و سنتکام به افزایش شمار نظامیان کشته شده آمریکایی در اردن، قدرت بالای موشک‌های ایران را آشکارتر کرد

نقطه‌زنی هزار کیلومتر آن‌طرف‌تر

حسین کیامنش

نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه نیروهای هوافضا و دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، با جدیت و دقت بالا حملات خود به پایگاه‌های نظامی ایالات متحده در منطقه را ادامه می‌دهند. این حملات که عمدتاً بر پایگاه‌های کلیدی در اردن، کویت و بحرین متمرکز شده، هر روز گسترده‌تر، دقیق‌تر و مخرب‌تر می‌شود. آنچه از ابتدای دور جدید درگیری‌ها مشاهده می‌شود، افزایش قابل توجه قدرت عملیاتی ایران و ناتوانی نسبی سیستم‌های پدافندی آمریکا و متحدانش در مقابله با حملات موشکی و پهپادی ایران است.

تاکنون پایگاه‌های آمریکا در این ۳ کشور به طور مکرر هدف قرار گرفته‌اند. این حملات نه‌تنها تجهیزات و تأسیسات را نابود کرده، بلکه باعث هلاکت و مجروحیت نظامیان آمریکایی نیز شده و واشنگتن را وادار به تخلیه بخش عمده‌ای از نیروهای خود کرده است. همین موضوع نشان می‌دهد ابتکار عمل میدانی همچنان در دست ایران است و هر چه زمان می‌گذرد، ضربات واردشده به ارتش تروریست آمریکا نیز عمیق‌تر می‌شود.

از زمان آغاز دور جدید جنگ آمریکا علیه ایران که حالا دهمین روز خود را هم پشت سر گذاشته، نیروهای مسلح ایران به‌ویژه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بارها پایگاه‌های آمریکا در کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس را با موشک‌های بالستیک و پهپادهای انتحاری هدف قرار داده‌اند. تنها سپاه پاسداران تاکنون ۲۳ موج عملیات را تحت عنوان «عملیات نصر ۲» اجرا کرده که بخش عمده آن بر پایگاه‌های تروریستی-نظامی آمریکا در کویت، اردن و بحرین متمرکز بوده است.

ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز تاکنون ۱۷ مرحله از عملیات صاعقه را به اجرا گذاشته است.

این عملیات‌ها ترکیبی از حملات موشکی دقیق، پهپادی و دریایی بوده و نشان‌دهنده هماهنگی بالا میان یگان‌های مختلف نیروهای مسلح ایران است. هدف اصلی نیز ضربه زدن به توان لجستیکی، فرماندهی و پشتیبانی آمریکا در منطقه بوده تا هزینه ادامه حضور و حملات تجاوزکارانه واشنگتن را به‌شدت افزایش دهد.

در ارتباط با میزان خسارات واردشده به پایگاه‌های حاضر در اردن، سنتکام و ترامپ تایید کرده‌اند دست کم ۳ سرباز آمریکایی به هلاکت رسیده‌اند. هر چند طبق دستور کار سنتکام در اعمال سانسور بر اخبار و گزارش‌های مربوط به خسارات واردشده، انتظار می‌رود تعداد بیشتری از نظامیان آمریکایی در پی حملات اخیر ایران به اردن کشته شده باشند.

اما مهم‌تر از این موضوع، دقت بالای اصابت موشک‌های ایران است. به این خاطر که تصاویر ماهواره‌ای منتشرشده و حالا اعتراف آمریکایی‌ها حاکی از نقطه‌زنی ایران در اردن است؛ آن هم دورترین پایگاه‌های آمریکا از ایران که بیش از هزار کیلومتر فاصله دارند.

در موج ۲۱ عملیات «نصر ۲»، نیروی هوافضای سپاه پاسداران با بهره‌گیری از اطلاعات دقیق ارائه‌شده توسط مردم و نیروهای ارتش اردن، هواپیماهای بزرگ ترابری C17 و هواپیماهای فرماندهی و کنترل P8 ارتش تروریست آمریکا را در فرودگاه عقبه هدف قرار داد. بنا بر اعلام روابط عمومی کل سپاه، این حمله موشکی بالستیک منجر به واردشدن خسارات سنگین به تعدادی از این هواپیماها شد. پیش از آن نیز ۲۰ سوله محل استقرار نیروهای آمریکایی در منطقه الازرق مورد حمله قرار گرفته بود که آسیب جدی دید.

همچنین در موج ۲۲، سپاه با حمله پهپادی، یک سامانه رادار اخطار اولیه دشمن در کویت را به طور کامل منهدم کرد. در حمله دیگری نیز یک سوله تجهیزات و قطعات هوایی و آشیانه پهپادهای MQ9 در پایگاه علی‌السالم هدف قرار گرفت و چندین پهپاد به آتش کشیده شد.

در موج ۲۳ نیز نیروی دریایی سپاه با حمله همزمان در ۳ مرحله، پایگاه‌های آمریکا را زیر ضرب قرار داد. در مرحله اول، سوله‌های نگهداری و تعمیرات پهپادی در فرودگاه الصیخیر بحرین منهدم شد. در مرحله دوم، سوله‌های آماده‌سازی شناورهای TF59 در بندر سلمان بحرین هدف قرار گرفت و خسارات سنگینی به شناورها وارد آمد. در مرحله سوم نیز سوله‌های استقرار و پشتیبانی نیروهای تکاور ویژه دریایی آمریکا در پایگاه عریفجان کویت به طور کامل نابود شد.

تصاویر و گزارش‌ها حاکی از آتش‌سوزی‌های گسترده و انهدام تجهیزات گرانقیمت آمریکا در پی این حملات نیروهای مقتدر مسلح ایران است.

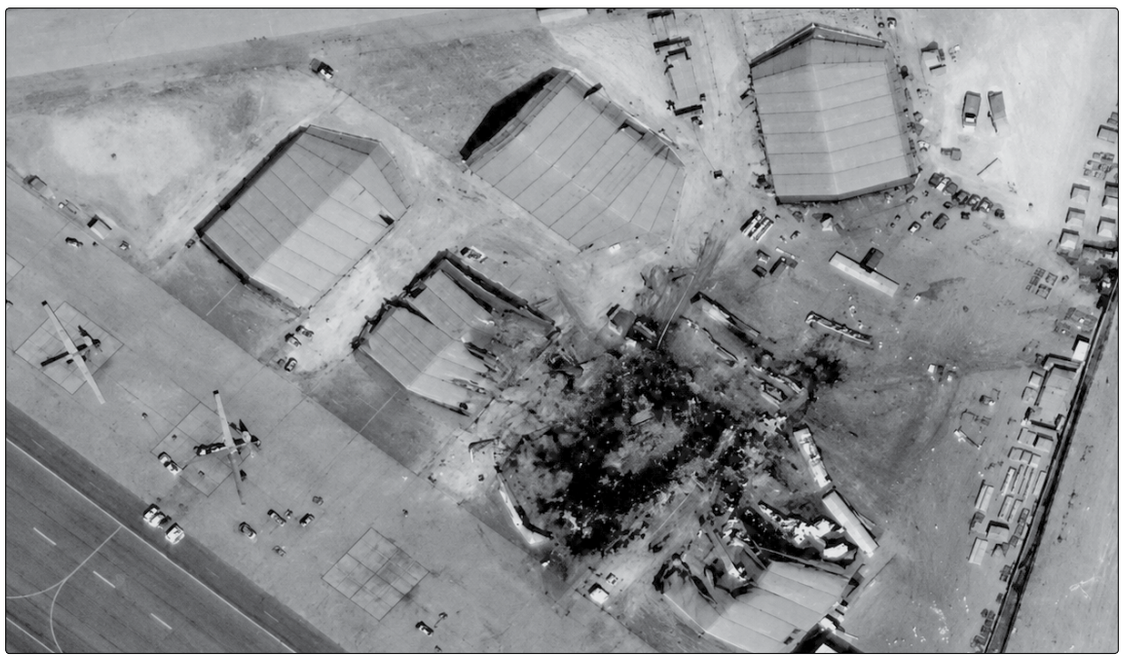

■ بن‌بست آمریکا در تنگه هرمز

تنگه هرمز به عنوان حیاتی‌ترین آبراه انرژی جهان، همچنان تحت کنترل کامل نیروهای مسلح ایران قرار دارد. با وجود همه تلاش‌های آمریکا برای بازگشایی آن، ایران اجازه عبور حتی یک قطره نفت را بدون رعایت شرایط خود نمی‌دهد. این آبراه که بیش از ۲۰ درصد نفت جهان از آن عبور می‌کند، به ابزاری قدرتمند در دست ایران، برای فشار بر اقتصاد جهان به‌ویژه رژیم تروریست آمریکا و متحدان آن تبدیل شده است؛ چه، ایران بارها اعلام کرده تا زمان توقف تجاوزات آمریکا، تنگه هرمز بسته خواهد ماند.

در این شرایط، تعداد معدودی از نفتکش‌های وابسته به کشورهای حاشیه خلیج فارس، با بی‌توجهی به هشدارهای صریح ایران و تکیه بر وعده‌های آمریکا مبنی بر «عبور امن» از مسیر جنوب هرمز که اساساً غیرقانونی و فاقد اعتبار و البته ناامن است، سعی کردند از تنگه عبور کنند که این تلاش‌ها با واکنش سریع و قاطع نیروی دریایی سپاه مواجه شد.

این نفتکش‌ها پس از هدف قرار گرفتن، متوقف و دچار آتش‌سوزی شدند. آخرین مورد از برخورد ایران با نفتکش‌های متخلف، مربوط به یک نفتکش سعودی بود که روز گذشته قصد عبور از تنگه هرمز را داشت اما پس از آنکه با آتش نیروی دریایی سپاه مواجه شد، متوقف و دچار آسیب‌های جدی شد. در روزهای اخیر، دست کم ۵ نفتکش و شناور که قصد عبور بدون اجازه از تنگه هرمز را داشتند، یا به دلیل برخورد با مین‌های دریایی، یا در پی اقدام هشدارآمیز نیروهای مسلح ایران، متوقف شدند.

■ ناتوانی آمریکا در بازگرداندن ابتکار عمل در تنگه هرمز

در چنین شرایطی، قریب به اتفاق ناظران خارجی، کارشناسان نظامی و رسانه‌های بین‌المللی اذعان دارند آمریکا عملاً نمی‌تواند ورق تنگه هرمز را به سود خود برگرداند و ابتکار عمل را از ایران بگیرد. بمباران‌های هوایی آمریکا نتوانسته شبکه موشکی و دریایی ایران را از بین ببرد و تلاش برای ایجاد کریدور آمریکایی-عمانی در تنگه هرمز نیز با شکست مواجه شده است.

در همین راستا، روزنامه انگلیسی فایننشال تایمز در گزارشی تحلیلی تأکید کرد رئیس‌جمهور آمریکا در حال فرورفتن در باتلاق ایران است و میراث سیاست خارجی او احتمالاً توسط ایران در این جنگ تعریف خواهد شد. گزارش فایننشال تایمز با لحنی واقع‌بینانه به ناکامی‌های آمریکا در قبال ایران پرداخته است.

طبق گزارش این رسانه، ترامپ فاقد برنامه قابل قبول برای پیروزی است. حتی اهداف کوچک‌تری مانند بازگشایی تنگه هرمز بدون عوارض و محدودیت‌های هسته‌ای مشابه دوران اوباما نیز برای رئیس‌جمهور آمریکا دست‌نیافتنی به نظر می‌رسد. ایران مصمم به دریافت عوارض است و این امر می‌تواند میلیاردها دلار درآمد برایش ایجاد کند و احاطه دائمی بر تأمین انرژی جهان، به تهران بدهد.

فایننشال تایمز در ادامه نوشت: «ایالات متحده بارها اعلام کرده هرگز چنین وضعیتی را نمی‌پذیرد اما بمباران شدید بعید است هرمز را باز کند و البته به دلیل ریسک بالا، اراده‌ای برای اعزام نیروهای زمینی وجود ندارد».

فایننشال تایمز همچنین با اشاره به آسیب‌پذیری کشورک‌های خلیج فارس در برابر حملات ایران به زیرساخت‌های آنها (مانند آب‌شیرین‌کن‌ها و سکوهای نفتی) تصریح می‌کند: ایران در پاسخ به تشدید اخیر درگیری‌ها، برای اولین‌بار پس از ماه‌ها به عربستان حمله کرد. این حمله یادآور این بود که کشورهای خلیج فارس به‌شدت در برابر حملات به زیرساخت‌های حیاتی آسیب‌پذیرند.

در نهایت، این رسانه انگلیسی نتیجه می‌گیرد جنگ علیه ایران بزرگ‌ترین بحران فعلی آمریکاست اما ممکن است شرایط را برای بحرانی بزرگ‌تر در آینده فراهم کند. ترامپ عملاً در باتلاقی عمیق گیر کرده که خروج از آن بدون هزینه‌های سنگین ممکن نیست.

[کنایه قالیباف به آی‌کیوی مقامات آمریکا!]

رئیس مجلس شورای اسلامی در آخرین پیام خود در شبکه اجتماعی ایکس با اشاره به تحرکات نظامی آمریکا در منطقه نوشت: آمریکایی‌ها مدام تجهیزات نظامی جدید به منطقه می‌آورند و می‌گویند دنبال توقف جنگند. روی هوش ما اندازه آی‌کیوی مختصر خودشان حساب کرده‌اند. محمدباقر قالیباف با تاکید بر آمادگی ایران برای مقابله با دشمن نوشت: ما در شناخت این آمریکایی‌بازی‌ها به مرحله استاد تمامی رسیده‌ایم و بر این اساس آماده شده‌ایم. اقدامات باید مؤید ادعاها باشد، نه ناقض آنها.

پیام فرمانده کل سپاه در لبیک به پیام راهبردی فرمانده معزز کل قوا

گروه سیاسی: فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در لبیک به پیام راهبردی فرمانده معزز کل قوا با صدور پیامی تاکید کرد: ما سبزپوشان حریم ولایت در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، پیام حضرت عالی را فرمانی نافذ، میثاقی الهی و نقشه راهی روشن برای استمرار رسالت دفاع از عزت و استقلال کشور می‌دانیم و با همه وجود، همصدا با ملت بزرگ ایران، فریاد «لبیک یا خامنه‌ای» را از ژرفای جان سر می‌دهیم.

متن این پیام به این شرح است:

با عرض سلام و درود خالصانه محضر مبارک فرمانده معظم کل قوا، رهبر حکیم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله‌العظمی امام سیدمجتبی خامنه‌ای مدّ ظلّه‌العالی

پیام راهبردی، حکیمانه و عزت‌آفرین حضرت عالی، در تبیین حقایق تشییع بی‌نظیر و تاریخی قائد شهید امت و تکریم حماسه‌آفرینی ملت مومن و بصیر ایران، منشور ماندگار عزت، اقتدار و مقاومت و جلوه‌ای دوباره از حکمت رهبری الهی در هدایت ملت بزرگ ایران بود؛ پیامی که حقیقت دشمن جنایتکار آمریکایی را آشکار، افق آینده را روشن و وظیفه تاریخی همه دلسوزان انقلاب، به‌ویژه رزمندگان اسلام را در پاسداری از اسلام، ایران و انقلاب اسلامی تبیین کرد.

ما سبزپوشان حریم ولایت در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، پیام حضرت عالی را فرمانی نافذ، میثاقی الهی و نقشه راهی روشن برای استمرار رسالت دفاع از عزت و استقلال کشور می‌دانیم و با همه وجود، همصدا با ملت بزرگ ایران، فریاد «لبیک یا خامنه‌ای» را از ژرفای جان سر می‌دهیم.

میثاق می‌بندیم پیوسته امنیت، استقلال، عزت و پیشرفت این ملت را ستون‌های ایمان، توکل، خوداتکایی، اقتدار ملی و تبعیت از ولایت باشیم و هرگز سرنوشت این سرزمین را به وعده دشمنی کودک‌کش که کارنامه‌اش آکنده از عهدشکنی، فریب و کینه با ملت ایران است، گره نزنیم. تجربه‌های بزرگ این ملت، ایمان ما را به این حقیقت، راسخ‌تر کرده است که راه عزت، از مسیر مقاومت، هوشیاری و اقتدار می‌گذرد.

از همین رو تعمیق روح ایمان و انگیزه الهی، ارتقای مستمر توان دفاعی، آمادگی همه‌جانبه رزمی، توسعه قدرت بازدارندگی، تعمیق اشراف اطلاعاتی، پیشتازی در عرصه‌های علمی و فناورانه و حفظ ابتکار عمل در همه میدان‌ها را تکلیفی تعطیل‌ناپذیر و رسالتی برخاسته از ایمان، قانون و انقلاب می‌دانیم و در انجام آن، لحظه‌ای سستی و درنگ به خود راه نمی‌دهیم.

فرمان حکیمانه حضرت عالی را نصب‌العین قرار داده‌ایم و اینک که آمریکای جنایتکار بار دیگر راه خطا، تجاوز و ماجراجویی را برگزیده است، بر این میثاق استواریم که «درس فراموش‌نشدنی» را که نوید آن را فرمودید، با قدرت، قاطعیت، حکمت و اقتدار به او خواهیم آموخت؛ درسی که هر متجاوزی را از تکرار خطا بازدارد، هر طمع‌ورزی را در هم بشکند و حقیقت اراده شکست‌ناپذیر ملت ایران را در حافظه تاریخ ثبت و مسیر حکومت جهانی مستضعفان را هموار کند.

در اجرای تأکید حضرت عالی بر حفظ وحدت و انسجام ملی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در کنار سایر نیروهای مسلح، صیانت از همدلی ملت، استحکام جبهه داخلی، پاسداری از سرمایه اجتماعی انقلاب و جلوگیری از هرگونه رخنه دشمن در صفوف به‌هم‌پیوسته مردم و نظام اسلامی را از مهم‌ترین وظایف در منشور پاسداری از انقلاب می‌شمارد و بر این باور است اقتدار دفاعی، در پرتو وحدت ملی، استوار و نافذ خواهد بود.

سبزپوشان حریم ولایت، با تأسی به مکتب نورانی امام راحل عظیم‌الشأن و رهنمودهای پیشوای شهید امت، الهام از خون مطهر شهیدان و در تبعیت کامل از اوامر و منویات حضرت عالی، بر این عهد جاودانه پای خواهند فشرد که تا آخرین نفس، آخرین قطره خون و آخرین توان، سپر استوار امنیت ملت، نگهبان استقلال ایران اسلامی و پاسدار عزت نظام مقدس جمهوری اسلامی و آرمان‌های انقلاب اسلامی باشند.

این، لبیکی برخاسته از ایمان، استوار بر بصیرت، آراسته به اخلاص، متکی بر اقتدار و ممهور به خون پاک شهیدان است؛ لبیکی که تحت لوای پرچم ولایت فقیه استمرار خواهد یافت و پاسداران حریم ولایت، آن را نه با زبان، بلکه با آمادگی، مجاهدت، ایثار و حضور مقتدرانه خویش معنا خواهند کرد.

چگونه می‌توان هم مطالبه‌گر بود و هم سرمایه اجتماعی و انسجام ملی را حفظ کرد؟

۳ رکن نظارت اجتماعی وحدت‌ساز

محمد رستم‌پور

کمتر از یک ماه پس از صدور پیام کوتاه، گویا و صریح رهبر رشید انقلاب که به پیام «علی‌الاصول» مشهور شد و موجی از تحلیل‌ها و ترسیم‌هایی از نیروهای سیاسی و کنش‌های اجتماعی دوره پس از جنگ سوم تحمیلی به راه انداخت، پیام دیگری از ولی فقیه رسید که باز هم به وحدت دستور می‌دهد و در عین حال، همچنان از مردم می‌خواهد در میادین بمانند و از منافع ملی ایران صیانت کنند.

مضمون پربسامد و شاه‌بیت تمام مکتوب‌های رهبر انقلاب، اتکا بر وحدت است اما این بار شکلی از وحدت که با نظارت اجتماعی و نقد مسؤولانه شرایط کشور در وضعیت جنگ جمع شود، توضیح داده شده است.

رهبر انقلاب، نقض تفاهمنامه را تجربه تاریک جنایت و بدعهدی و سند محکم دیگری از دروغگویی، غیرمنطقی و غیر قابل اعتماد و پلید بودن آمریکا می‌شناسند و البته وعده می‌دهند این رفتار خصمانه بدون پاسخ نمی‌ماند. در واقع، ایشان اولاً در مقام معلم جامعه در پی آنند چنین تجربه‌ای را مانند برجام، به ذخیره فکری کشور اضافه کنند و ثانیاً در مقام راهبر جامعه و به اتکای توان دفاعی شگفت‌آور کشور و مقاومت بی‌مثال ملت در برابر پیامدهای خسارت‌بار جنگی که آمریکا و رژیم صهیونیستی بر ایران تحمیل کرده‌اند، تصریح می‌کنند درس‌های فراموش‌نشدنی برای دشمن در راه است.

اما آنچه این پیام را متمایز از توصیه‌های پیشین به وحدت می‌کند، چیز دیگری است و آن تأکید بر این مبناست که حفظ وحدت برای کسب عزت، حیاتی است؛ به‌ویژه در برابر «دشمن حیله‌گر آمریکایی». این تعبیر نشان می‌دهد اگر نقدی هست، نباید به شماتت خودی تبدیل شود و روزنه‌ای برای برتری‌جویی دشمن باز کند، به‌ویژه آنکه دشمن، حیله‌گر است و حیله‌گر در پی آن است از روزنه اختلاف، وارد شود و خود را وجیه‌تر و وزین‌تر از خودی نشان دهد.

در نتیجه، پیش‌فرض نخست مواجهه با مسؤولان کشور، باید «اعتماد» باشد، حتی اگر این اعتماد از سوی برخی و به شکل هیجانی، به سکوت و سازش تعبیر شود. نقد و ناقد در نگاه رهبر انقلاب، سرمایه ارزشمندی است که رونق و شکوفایی امور را در پی خواهد داشت اما به ۲ شرط مهم که می‌توان گفت نظارت اجتماعی دقیق اما مسؤولانه مردم بر مسؤولان را رقم می‌زند: اولاً نقد نباید به ظلم بینجامد. اتهام‌زنی، تخریب شخصیت، دوگانه‌سازی، القای اختلاف میان سطوح اداره کشور، نومیدسازی و به‌ویژه اشتباه در اصلی/فرعی‌سازی مسائل و مرز انتقاد و تخریب را برداشتن و سوی انتقاد را از دشمن غدار و خصم کینه‌جو به داخل بازگرداندن، حتماً اشتباه است و قطعاً غیر از معصیت فردی، ستمکاری در حق نظام و بنیادی است که مقاومت و صلابت خیره‌کننده در برابر ۲ قدرت نظامی جهان از خود نشان داده و اذعان دوست و دشمن به قدرتمندی را موجب شده است.

مسأله اساسی این است که دلسوزان و وفاداران از روی ادای تکلیف و به اشارت رهبر انقلاب برای مطالبه‌گری در پی فریادزنی برای بیدارسازی اذهان هستند اما این خشم مقدس نباید امر مقدس را خدشه‌دار کند؛ امر مقدسِ احترام به حقوق فردی مسلمان و امر مقدسِ انجام وظیفه شرعی در تبعیت از ولی فقیه. از سوی دیگر، عده‌ای نباید خود را از تخاطب این پیام خارج و تصور کنند این پیام برای آنها نیست، به‌ویژه مسؤولان و مقاماتی که هر عمل و بیان آنها در مقایسه با فعالان سیاسی و چهره‌های رسانه‌ای اثر عمیق‌تری بر جامعه دارد.

نباید وحدت را به هم زد و بعد توقع وحدت داشت. نباید مردم را عصبانی کرد و بعد به پیام رهبر انقلاب در لزوم مراعات اخلاق در نقد توجه داد. بر این اساس، می‌توان هم وحدت کرد و هم مطالبه داشت. فکر و فریاد متضاد هم نیستند. فریادی به تقویت جبهه حق می‌انجامد که از روی فکر باشد و بر سر دشمن باشد.

نباید در مواجهه با دشمن، آداب اخلاقی گرفت و در برابر خودی، از هر حزب و جناحی، ناگهان تیغ تیز کرد.

علی‌الاصول رهبر انقلاب در مورد تفاهم یا مذاکرات، دربردارنده هر نظر یا دیدگاهی باشد، بر همگان به‌ویژه بر خواص فرض است آن را کشف کنند و بدان عمل کنند اما علی‌الاصولِ رهبر انقلاب در مورد نسبت سیاست و اجتماع یا رابطه مسؤولان و مردم این است که در جنگ پیچیده و چندوجهی امروز، مردم همچنان باید در میدان بمانند و در مورد اجرای آن تفاهمنامه مطالبه کنند و توضیح بخواهند اما برخی اقدامات همچون متلک‌گویی، حرف زدن بدون استناد، افشای محرمانه‌ها، توجه‌طلبی و شهرت‌سازی رسانه‌ای، هزینه‌کرد امر ملی پای دعواهای جناحی و به‌ویژه بی‌توجهی به حماسه پیش‌آمده و سعی در تضعیف و تحقیر آن، حتماً سود و بهره دشمن از تبیین و مطالبه و روشنگری و بصیرت‌افزایی را زیاد خواهد کرد و در سوی مقابل، ابراز ضعف و ناتوانی، بن‌بست‌نمایی، اظهار خستگی، مردم را نامحرم دیدن و ساده‌سازی مسائل و بی‌پناه گذاشتن مردم در نبرد پرهزینه‌ای که همه ارکان زندگی آنها را هدف گرفته، قطعاً پر کردن جدول همان دشمنی است که به دنبال فرسایش تاب‌آوری مردم است.

به‌ویژه آنکه مطابق وعده امام شهید انقلاب، جمعیت مبعوث در پی ساخت مرحله نوینی از جامعه‌سازی متمدنانه است، آن هم در میانه جنگی که دشمن ایران می‌خواست این مرزوبوم را به عصر حجر بازگرداند.

سازمان ملل؛ امانتدار لانچرهای آمریکا!

نگاه

ادامه از صفحه اول

چنین روندی، قدرت «اخلاق‌مداری» را از این سازمان‌ها سلب کرده است. سازمانی که برای تأمین هزینه‌های جاری خود، چشم به جیب دولتی خاص دارد، هرگز نمی‌تواند در برابر تخلفات همان دولت سرکش، قد علم کند. در واقع، این سازمان‌ها به «کارمندان اجرایی» حامیان مالی خود تبدیل شده‌اند. در چنین وضعیتی، انبارداری لانچرهای آمریکا از سوی پایگاه‌های سازمان ملل متحد در منطقه، موضوع خارق‌العاده و تعجب‌برانگیزی محسوب نمی‌شود!

جریان سلطه، نهادهای بین‌المللی را به «ماشین تولید مشروعیت» تبدیل کرده است. پیش از آنکه هرگونه اقدام تهاجمی (اعم از نظامی یا اقتصادی) انجام شود، روایت‌های حقوقی و رسانه‌ای در نهادهای بین‌المللی به گونه‌ای طراحی می‌شود که آن اقدام را «ضروری» یا «قانونی» جلوه دهد. آنها با تعریف خاص خود از مفاهیمی چون «حقوق بشر»، «توسعه پایدار» یا «امنیت جهانی»، ملت‌های مستقل را به «اخلال‌گری» متهم می‌کنند. در چنین منظومه ضدانسانی و فاقد عدالتی، نسل‌کشی هزاران کودک از سوی آمریکا، رژیم صهیونیستی و دولت‌های اروپا به مثابه دفاع مشروع جلوه داده می‌شود!

مهلک‌ترین کارکرد منفی سازمان ملل متحد که مورد انتقاد و اعتراض اکثر جهانیان قرار گرفته، نهادینه کردن «استاندارد دوگانه» (Double Standard) است. در ادبیات سازمان‌های بین‌المللی، اشغالگری یا نقض حاکمیت یک ملت مستقل توسط یک دولت غربی، «عملیات دفاعی» یا «ثبات‌بخش» نامیده می‌شود اما تلاش همان ملت برای حفظ استقلال و تأمینِ امنیت داخلی‌اش، «تهدید علیه صلح جهانی» قلمداد می‌شود. این دوگانگی، در نهایت منجر به بی‌اعتباری کامل این نهادها در میان ملت‌ها شده است. نفرت ملت‌های دنیا از سازمان ملل متحد هر روز بیشتر می‌شود و امروز دیگر حتی کسی به اصلاح یا دفرمه‌سازی آن نمی‌اندیشد! مطالبه امروز ملت‌های آگاه و دولت‌های مستقل دنیا، انهدام ساختار سلطه‌محور سازمان ملل و دیگر نهادهای بین‌المللی و جایگزینی ساختارهایی است که حداقلی‌ترین بنیان‌های حقوقی، انسانی و اخلاقی در آنها موضوعیت پیدا کند!

تجربه دهه‌ها و سال‌های سپری‌شده از جنگ دوم جهانی نشان می‌دهد چشم دوختن به سازمان‌های بین‌المللی برای احقاق حقوق ملت‌های مستقل، انتظاری عبث است. این نهادها نه پناهگاه ملت‌ها و کشورهای مستقل، بلکه بخشی از «زنجیره تأمین جریان سلطه» هستند. مردودی سازمان ملل متحد، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، یونسکو، یونیسف و... در آزمون استقلال و صیانت از حقوق بین‌الملل به وضوح نشان می‌دهد «استقلال» و «توسعه» واقعی کشورها اساساً جایی در این نهادها ندارد. در چنین شرایطی لازم است ملت‌های مستقل به جای اتکا به نهادهای «وارونه‌کار» بین‌المللی، به سمت ایجاد مکانیسم‌های تقویت قدرت ملی و منطقه‌ای حرکت کنند. تقویت ائتلاف‌های جدید (مانند بریکس و شانگهای)، ایجاد شبکه‌های تجاری مستقل از دلار و سوئیفت و خلاقیت در ایجاد ظرفیت‌ها و مجاری نوین و کاربردی (حول منافع ملی) تنها مسیر عبور از سد نهادهای سلطه‌گر است.